

خبرها

دومین برنامه تکنوازان

مهر : دومین برنامه از سلسله کنسرت‌های تکنوازان در روزهای ۲۰ و ۲۱ شهریور با تکنوازی اردشیر کامکار– نوازنده کمانچه – و سه نوازنده جوان در مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران برگزار می شود . گزارش خبرنگار موسیقی مهر، در بخش دوم این کنسرت اردشیر کامکار همراه با تنبک کامبیز گنجه‌ای به‌پاده نوازی می‌پردازد . حمیدرضا مرتضوی سه‌تار ، مجید کوپلوند سنتور ، و ساناز ستارزاده تار ، جوانانی هستند که پیش از اجرای اردشیر کامکار به تکنوازی می‌پردازند . این سه نوازنده را کامران یعقوبی و حامد زندکریم‌خانی نوازنده‌های تنبک، همراهی می کنند . در این سلسله برنامه‌ها قصد بر آن است که هنر تکنوازی ایرانی با بهره‌گیری از استادان به معرفی چهره‌های جوان موسیقی ایرانی بپردازد . این کنسرت طی روز های یاد شده از ساعت ۱۹ آغاز می‌شود و در دو قسمت پندیری علاقه‌مندان خواهد بود .

ارکستر سمفونیک تهران و پنج پیشنهاد

برای کنسرت خارج از کشور

خبرگزاری میراث فرهنگی : پنج پیشنهاد برای اجرای کنسرت و ضبط آثار ارکستر سمفونیک تهران به دنبال اجرای این ارکستر در آلمان مطرح شده است. ارکستر سمفونیک تهران که به تازگی از سفر آلمان بازگشت در شهرهای اسنابروک و برلین به اجرای موسیقی پرداخت. روز ششایی پس از بازگشت از آلمان ضمن ابراز رضایت از اجرای برنامه‌ها از پنج پیشنهاد مهم به ارکستر سمفونیک خبر داد و گفت : «ارکستر سفر بسیار موفقیت‌آمیزی را پشت سر گذاشت. به دنبال این اجرا دبیر جشنواره «مورگن لند» که در اسنابروک برگزار شد، از ما دعوت کرد تا سال بعد در دوره آینده آن نیز شرکت کنیم. همچنین از ارکستر دعوت شده است تا در کشور های ژاپن، چین، تایلند و هند هم برنامه اجرا کند.
او ادامه داد: «ارکستر سمفونیک تهران برای اجرای کنسرتی در پائیز ۲۰۰۷ به تیریش دعوت شده است که به اعتقاد من اگر این اجرا انجام شود در پرورنده فعالیت‌های ارکستر برگ درخشانی خواهد بود. علاوه بر این یک شرکت تولید و انتشار آثار موسیقی در آلمان که از بهترین ناشران موسیقی اروپاست، اظهار تمایل کرده تا قطعات ارکستر و آثار آهنگسازان ایرانی را ضبط و منتشر کند. فعلاً تا قرارداد قطعی با این شرکت ترجیح می‌دهیم نامی از آن نبریم.
»
مشایخی همچنین از همکاری مشترک ارکستر سمفونیک تهران و یکی از ارکستر های معتبر آلمان خبر داد و به میراث خبر گفت: «این همکاری نیز در تاریخ ارکستر سمفونیک تهران بی‌سابقه است. اجرای کنسرت مشترک با این ارکستر تجربه خوبی برای نوازندگان ایرانی می‌تواند باشد.
»

کنسرت عالیم قاسم اف به تعویق افتاد



مهر : کنسرت موسیقی آذری به خوانندگی «عالیم قاسم اف» که قرار بود ۱۰ شهریورماه در تهران برگزار شود به اواخر این ماه موکول شد . «عالیم قاسم‌اف» خواننده آذربایجانی در ساعت ۲۰ در روز پایانی شهریور و روز اول مهرماه در کاخ نیاوران به اجرای موسیقی آذری می‌پردازد . این کنسرت قرار بود در روزهای ۹ و ۱۰ شهریور برگزار شود اما دیر صادر شدن مجوز علت عمده این اتفاق بود . مجوز این کنسرت روز چهارشنبه ۲شهریور صادر شد که دو روز بعدی اش تعطیلی بود. در نتیجه دریافتیم چهار روز برای تبلیغات فرصت کمی است .

تور کنسرت دستان دو آمریکا و کانادا

خبرگزاری میراث فرهنگی : گروه موسیقی دستان تور کنسرت یک‌ماهه‌ای در کانادا و آمریکا برگزار می‌کند. گروه موسیقی «دستان آلبوم موسیقی «گل بهشت»را که آلبوم جدید این گروه با پرپسا است به زودی در شهرهای مختلف آمریکا و کانادا برگزار می‌کند. سعید فرح پوری نوازنده کمانچه این گروه گفت: «اولین برنامه را هفتم سپتامبر در شهر تورنتو کانادا برگزار می‌کنیم. این برنامه در شهرهای مونترال، اتاوا و ونکوور و پس از آن در آمریکا در نیویورک، لس آنجلس، شیکاگو، سانفرانسیسکو و سان دیگو نیز برگزار می‌شود.» او ادامه داد: «کنسرت در دو بخش اسفهان و ابوظعا که به ترتیب توسط حمید متبسم و حسین بهروزی نیا ساخته شده است، اجرا می‌شود.» آخرین کنسرت دستان دو سال پیش در آمریکا برگزار شد که در آن قطعات آلبوم شوریده این گروه اجرا شد. آلبوم گل بهشت به تازگی در آلمان توسط شرکت network منتشر شده است. فرح‌پوری با اشاره به اینکه دستان علاقه دارد باز هم در ایران کنسرت برگزار کند گفت: «کنسرت تیر ماه در کاخ نیاوران کنسرت خوبی بود و مردم هم از آن استقبال زیادی کردند. اگر مشکلات حاشیه‌ای از قبل مجوز کنسرت و اجاره جای مناسب حل شود ما علاقه زیادی داریم که در تهران و شهرهای مختلف ایران کنسرت برگزار کنیم.» او ادامه داد: «سیاست‌گزاری‌های موسیقی باید تغییر کند در غیر این صورت مشکلات برگزاری کنسرت در ایران به این سادگی‌ها حل نمی‌شود. پ‌ژمان حدادی (تنبک)، سعید فرح‌پوری (کمانچه)، حمید متبسم (تار)، حسین بهروزی‌نیا (ربط) و بهنام سامانی (دو و مدام) در گروه موسیقی دستان به اجرای برنامه می‌پردازند.

مارسل خلیفه در ۱۹۵۰ در خانواده‌ای مسیحی در لبنان به دنیا آمد. او در زمینه موسیقی در کنسرواتوار ملی بیروت موسیقی خوانده و ساز تخصصی اش عود است. از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ در کنسرواتوار بیروت و دیگر مراکز کشور به تدریس عود پرداخت. در همین دوره شروع به برگزاری کنسرت در خاورمیانه، شمال آفریقا، اروپا و ایالات متحده کرد.

در سال ۱۹۷۲ در روستای زادگاهش گروه موسیقی را با هدف باز زنده‌سازی میراث موسیقایی و عربی بنیانگذاری کرد. این گروه که ال‌میداین نام داشت، برای اولین بار در ۱۹۷۶ در لبنان به اجرای موسیقی پرداخت. سپس گروه به دیگر کشورهای عربی، اروپا، ایالات متحده، آمریکای جنوبی، استرالیا و ژاپن مسافرت کرد و به اجرای برنامه پرداخت. هم‌زمان با کار در گروه، مارسل به تحقیق و کار در زمینه موسیقی ادامه داد. علاوه بر تصنیف آهنگ و ترانه، مارسل در زمینه موسیقی فیلم (داستانی و مستند) نیز کار کرده است.

ویژگی کار مارسل آن است که او علاوه بر موسیقی و اجرای آن به شعر و متن ترانه‌هایی که می‌خواند توجه دارد. از جمله شاعران معروف عرب که مارسل از اشعارشان برای ترانه‌هایش استفاده کرده است، محمود درویش است. او همواره در کارهایش سعی بر شکستن کلیشه‌های مرسوم در موسیقی عربی و تاثیرگذاری بر مردم و زندگی اجتماعی داشته است. موسیقی مارسل خلیفه، روح یک انقلابی و بینش یک فرهیخته را داراست. به عنوان استاد مسلم عود، او همواره در تعامل با سنت‌های عربی بوده است. دوران کودکی او در دهکده زادگاهش آمشیت در ۴۰کیلومتری بیروت گذشت. خودش در این باره می‌گوید: «به نظرم‌ان از روستا تا بیروت راه درازی بود. روستای آمشیت که نه جاده درست و حسابی و نه وسیله حمل‌ونقل مناسبی داشت، از بیروت جدا افتاده بود. نهایت آرزوی مردم آن بود که بچه‌هایشان روزی دکتر یا وکیل شوند. از این‌رو وقتی مارسل ۱۴ ساله اولین عودش را برداشت و به کنسرواتوار ملی رفت که موسیقی بخواند، والدینش با اکراه از او حمایت کردند. آنها نمی‌دانستند که در روزهای جنگ داخلی، موسیقی پسرشان مردم لبنان را متحد خواهد ساخت یا اینکه او موسیقیدانی برجسته در خاورمیانه خواهد شد.

مارسل درباره علاقه‌اش به موسیقی می‌گوید: «من از همان کودکی عاشق موسیقی بودم. پدر بزرگم ماهیگیر بود و ترانه‌های دریا را برپایمی می‌خواند. وقتی به کلیسا می‌رفتم به موسیقی کلیسایی گوش می‌دادم. از قراتش قرآن هم خوشم می‌آمد. ما در لبنان فرهنگ اسلامی و مسیحی را در کنار هم داریم و همه اینها با هم آگاهی موسیقایی مرا شکل دادند.»

در موسیقی، مارسل عناصر نامتجانسی را باهم پیوند زده است: فرهنگ عربی را با ایمان مسیحی، سنت‌های کلاسیک را با سلاطین عوام و ظرافت شاعرانه را با اصطلاحات کوچه و خیابان. او همواره در کار سعی به پیشبرد سنن داشته است و در پرورش ایده‌های نو و روش‌های موسیقایی جدید پیشتاز بوده است. به عنوان مثال می‌گوید: «چرا ما خانواده‌ای از عود نداریم چنانکه مثلاً رای ویولن، ماندولین یا بالالایکاست؟» جالب اینکه، اخیراً کنسرتویی از عود که توسط یک کوارتت مرکب از چهار عود نواخته می‌شود، تصنیف کرده است. مارسل بر این باور است که موسیقی سنتی خاورمیانه در واقع بخشی از همان سنتی است که موسیقی کلاسیک غربی را در خود دارد. مفاهیمی مثل کنسرت‌پروان وارکستراسیون در هر دو موسیقی وجود دارند. تفاوت تنها در نواهای سنتی است که موسیقیدانان در کارشان استفاده می‌کنند: «موسیقی عربی بخشی از موسیقی جهانی است. سال‌های طلایی این موسیقی سال‌هایی است که عرب‌ها در اندلس پیوند. آن موقع هیات‌هایی از کشورهای اروپایی به اندلس می‌رفتند تا موسیقی عربی را بیاموزند. حتی هانری هشتم، برادرزاده‌اش را به اندلس فرستاد تا این موسیقی را فراگرفته و به انگلیس بیاورد. عود وارد اروپا و به لوت تبدیل شد، همچنین ریاب به ویولن. بعد از این سال‌های طلایی، در حدود ۶۰۰ سال پیش پیشرفت موسیقی عربی متوقف شد. در این دوره، امپراتوری اوتومان بر سرزمین‌های عرب استیلا یافت. اگر

درباره مارسل خلیفه موسیقیدان لبنانی

روح یک شورشی در من بود

سیمین منصوری



موسیقی عربی به پیشرفت خود ادامه می‌داد به مراحل بالاتری می‌رسید. به همین دلیل است که من کوشش می‌کنم با برگشت به میراث موسیقایی عربی و با نگاه به همه انواع موسیقی از پاپ تا سنتی، علاقه به موسیقی عربی واقعی را افزایش دهم.
»

■ در جست‌وجوی مفاهیم نو در موسیقی

در کوشش برای پیشبرد محتوای موسیقی عربی او نظرات جالبی را دنبال می‌کند: «موسیقی عربی همواره درباره معشوقی سخن می‌گوید که تو نه می‌توانی ببینی اش، نه می‌توانی لمسش کنی. کاری که ما کردیم بسیار ساده بود. ما معشوق را پیش مجبویه‌اش بردیم و دستش را در دست او گذاردیم. آنها با هم زندگی و کار و فکر کردند. دیگر وصال محبوب آرزویی محال نبود. به همین دلیل است که موسیقی ما به مردم امید می‌دهد و آنها را در روابط انسانی‌شان به یکدیگر نزدیکتر می‌سازد.»

درباره ارزش‌های موسیقی عربی و غنای فرهنگ عرب می‌گوید: «ما فرهنگی بسیار قدیمی به قدمت هزاران سال داریم. من به دنبال اشکال جدید موسیقی می‌گردم. ممکن است تاثیراتی از موسیقی جاز یا کلاسیک داشته باشم، اما همه اینها تنها موسیقی مرا غنی‌تر می‌سازند. اگر قرار است جهان غرب به من فرهنگ مک دونالد یا پیسی کولا را بیاموزد، من آن را رد خواهم کرد. این جور چیزها بعد از مدت کوتاهی از بین می‌روند. من به دنبال هدفی هستم که انجامش سال‌های مدید به درازا خواهد کشید. هدفی که به عمر من نیز قد نخواهد داد.»

معرفیت مارسل تنها به خاطر مسجارت او در عرصه موسیقی نیست. مردمی که از جنگ داخلی لبنان جان به در بردند، اجراهای او را در تالارهای متروک بیروت به یاد دارند. در آن روزهای سخت، مارسل با عود و ترانه‌هایش سعی در زنده نگاه داشتن روحیه مردم داشت. تعجب‌آور نیست که وقتی اسرائیل در ۱۹۸۲ به لبنان حمله کرد، نواها و ترانه‌های مارسل در لیست «موسیقی

و به راه خویش رفتم.

چون بسیاری دیگر از هنرمندان عرب، مسئله فلسطین و مردم آن از دغدغه‌های همیشگی مارسل بوده است.

در شعرگونه‌ای خطاب به مردم فلسطین می‌گوید:

اگر توانش را داشتم مرگ را نابود می‌کردم پیش از آنکه شما را لمس کند،

اگر توانش را داشتم، مرگ را می‌کشتم و شما را در آغوشم پناه می‌دادم.

من **چهره‌هایان** را دیده‌ام؛ هزاران **چهره بی نام، چهره خداوند**.

من **چهره‌هایان** را دیده‌ام چون گل‌های **اردیبهشتی** که بر آب شناورند.

چون عاشقی حسود، تمجیدبدان می‌کنم و برایتان **خوفناکم**. چه باید برایتان **بخوانم**؟

از نگاه کردن بر **چهره‌هایان** شرمگینم.

از نگاه کردن بر **چشم‌هایان** که از **تصویر روزنامه‌ها** بر ما می‌نگرند، شرمگینم.

چشم‌هایی که در سکوت سخن می‌گویند، در سکوت.

■ پیام‌آور صلح و دوستی

سال گذشته یونسکو، مارسل را به عنوان هنرمند صلح برگزید. این عنوان برای مارسل و موسیقی عرب افتخاری بزرگ و تاییدی بر زندگی سراسر تلاش او در راه صلح، درویش است. او همواره در کارهایش سعی بر شکستن کلیشه‌های مرسوم در موسیقی عربی و تاثیرگذاری بر مردم و زندگی اجتماعی داشته است. موسیقی مارسل خلیفه، روح یک انقلابی و بینش یک فرهیخته را داراست. به عنوان استاد مسلم عود، او همواره در تعامل با سنت‌های عربی بوده است. دوران کودکی او در دهکده زادگاهش آمشیت در ۴۰کیلومتری بیروت گذشت. خودش در این باره می‌گوید: «به نظرم‌ان از روستا تا بیروت راه درازی بود. روستای آمشیت که نه جاده درست و حسابی و نه وسیله حمل‌ونقل مناسبی داشت، از بیروت جدا افتاده بود. نهایت آرزوی مردم آن بود که بچه‌هایشان روزی دکتر یا وکیل شوند. از این‌رو وقتی مارسل ۱۴ ساله اولین عودش را برداشت و به کنسرواتوار ملی رفت که موسیقی بخواند، والدینش با اکراه از او حمایت کردند. آنها نمی‌دانستند که در روزهای جنگ داخلی، موسیقی پسرشان مردم لبنان را متحد خواهد ساخت یا اینکه او موسیقیدانی برجسته در خاورمیانه خواهد شد.

منمونه» قرار گرفت. او خود در باره این دوره می‌گوید:

«من با مسائل مردم درگیر شدم. در آن دوره، همه آموزشگاه‌ها و موسسات تعطیل شده بودند. «کار مارسل در این دوره با الهام از موسیقیدانان عرب بعد از دوره اوتومان و بعدها با کارهای برادران رهبانی^۱ عجین شد.

در موسیقی، مارسل شنونده‌اش را به چالش می‌کشد. وقتی در کنسرواتوار تدریس می‌کرد، به او توصیه شد نوشته‌هایش را ساده کند تا برای دانشجویان قابل فهم باشد، اما او مخالفت کرد و گفت: «وقتی مردم به کنسرت‌های من می‌آیند، مجبورند به ادبیات و شعر ترانه‌ها دقت کنند. ترانه‌ها اشعار دشواری دارند ولی مردم با خواندن همراه من، شروع به یاد گرفتن این اشعار کردند.»

■ مارسل شورشی

مارسل در جان خود یک شورشی است. خود او در این باره می‌گوید: «از زمانی که زاده شدم، روح یک شورشی در من بود. من با چیزهای موروثی که به گمانم نادرست بودند سر جنگ داشتم. این چیزها ممکن بود در خانه، کالج یا حتی کنسرواتوار باشند. نه اینکه بخواهم هر چه سر راهم هست نقد کنم، نه، من با بعضی نظرات و دیدگاه‌ها شخص مخالف بودم.» در جایی دیگر او می‌گوید: «ارزش هنرمند به چیست اگر شورشی نباشد؟ تمدن در لحظه‌ای از شورش زائیده شد.»

■ در دفاع از آزادی

همچون همه هنرمندان واقعی، مارسل هرگز از مردم خود و درهای آنها جدا نبوده است. شاید بتوان من مایه هنر او را بر همین اساس تبیین کرد. تعجبی ندارد که برخی به او لقب «پیت سیگر خاورمیانه» و «باب دیلن شرق» داده‌اند:

من جز شاخه درختی نیستم

که با باد خم می‌شود،
من روحم را از بوخته‌ام،

بر ستاره‌ای در آسمان شب مردم خوش،

■

رم شهری جادویی و سرد

نگاهی بر موسیقی کلود آشیل – دوبوسی

علیرضا امیرحاجی

■

■

ذاتی موسیقی را نیز در خود محفوظ داشته‌اند: «جهانی بودن».
■ نوکتورن‌های سه‌گانه
پیش طرح و ایده ساخت نوکتورن‌های دوبوسی قبل از تصنیف پرلود مشهورش «بعدازظهر یک غول» شروع شده بود. حدوداً بین سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۹. طرح ابتدایی این سه قطعه برای ویولن و ارکستر تنظیم شده بود که بعدها تغییر کرد.
دوبوسی ایده‌های خود را درباره این نوکتورن‌ها در نامه‌ای به دوست خود Eugem-Ysaye توضیح داده است. در این قطعات به سختی می‌توان نقش سبب نشد تا او در برابر نظام مستحکم آکادمی فرانسه ویولن تکنواز را تجسم کرده و آن را با خواسته‌های اولیه دوبوسی تطبیق داد. از این باب نمی‌توان حدس چندان‌ی زد. او در نامه می‌نویسد: «عنوان نوکتورن در مفهومی کلی امری تفسیری است و در مفهوم جزئی اصطلاحاً زینتی که با شکل عادی و رایج نوکتورن هم‌خوانی ندارد. نوکتورن‌های من بیشتر تابع احساسات آنی و جلوه‌های ویژه نور هستند. من برای این احساسات تصاویری را ارائه می‌دهم: قطعه اول «ایرها» (Nuages) پوشش اندازی ثابت و تغییر ناپذیر از آسمان و آرامش را شکل می‌دهد. حرکات پرهیبت و سنگین ابرها را و محو شدن شان

■

■

■

■

■

■

بخش اول

سفر به دیگر سو

غرامت ۲۵ میلیون دلاری بیتلز

بی بی سی : گروه بیتلز درگیر یکی از بزرگ‌ترین دادخواست‌های حقوقی خود علیه یک کمپانی ضبط و پخش موسیقی شده است. این دهمین مجادله قضایی بیتلز از سال ۱۹۷۱ میلادی بدین سو محسوب می‌شود. این بار اعضای گروه به همراه بیوه جان لنون و یوکو اونو علیه کمپانی EMI دادخواست تنظیم و تسلیم دادگاه ایالتی نیویورک کرده‌اند. این کمپانی از سوی گروه بیتلز متهم به فروش غیرقانونی و بدون پرداخت سهم اعضای گروه شده است. این ششمین دادخواست بیتلز ظرف سی و پنج سال گذشته علیه کمپانی EMI است. دادگاه ایالتی نیویورک درخواست این کمپانی برای منع تعقیب قضایی را رد کرده است و به نظر می‌رسد کمپانی EMI شانس کمی برای برنده شدن در این دادگاه داشته باشد. سابقه این مجادله به سال‌ها پیش، زمانی که بیتلز حق انحصاری پخش آثار خود را برای یک دوره به این کمپانی واگذار کرد، بازمی‌گردد. در ۳۵سال گذشته این گروه با دعاوی حقوقی جنجال‌برانگیزی روبرو بوده است که اولین آنها در سال ۱۹۷۱ علیه خود این گروه از سوی عضو سابق آن، جان لنون بود. به نوشته روزنامه بریتانیایی ایندپندنت مجادلات گروه بیتلز علیه کمپانی‌ها از سال ۱۹۸۱ میلادی آغاز شد که بیتلز‌ها علیه کمپانی ایل اعلام جرم کردند و این کمپانی درخواست کرد تا بدون مطرح شدن پرونده در دادگاه ۱۲۰هزار دلار به آنها بپردازد. وکلای EMI اعلام کرده‌اند که امیدوارند در مورد مجادله تازه به مصالحه‌ای با گروه بیتلز دست یابند.

دوست‌نوشته دیگر از آثار موسیقایی باخ

ایلنا : محققان آلمانی گفتند دو دست‌نوشته از آثار موسیقایی باخ پیدا کرده‌اند که تا به حال کشف نشده و یوهان سباستین باخ آنها را در زمان نوجوانی اش نوشته است. این آثار دست‌نوشته به سال ۱۷۰۰ مربوط می‌شود و نسخه‌هایی از موسیقی ارگی هستند که توسط «دیتیریش بوکستودر» و «یوهان آدم رینکن» ساخته شده‌اند، باخ در آن زمان ۱۵ساله بود و این آثار قدیمی‌ترین دست‌نوشته‌های وی به‌شمار می‌روند. آثار مذکور در میان آرشوهای کتابخانه ویمر در شرق آلمان پیدا شدند. این کتابخانه دو سال پیش توسط آتش سوزی نابود شد اما دست‌نوشته‌های باخ سالم ماندند چون در گاوصندوق ساختمان نگهداری می‌شدند. آتش در کتابخانه دوشس «آآآملیا» که بخشی از قصری قرن شانزدهمی است حدود ۵۰هزار کتاب را نابود کرد. بنا به نظر دو نفر از متخصصان این دست‌نوشته‌ها می‌توانند جنبه‌های تازه‌ای از فعالیت حرفه‌ای باخ را کشف کنند، آنها همچنین تأیید کردند که باخ در شهر «لونیبرگ» در شمال آلمان هنرجوی «جورج بوهم» نوازنده ارگ بوده است. محققین همچنین می‌گویند این کشف اخیر از کشف سال گذشته اثر ناشناخته‌ای از باخ که در فرمت صوتی بود بسیار مهم‌تر است. یادآور می‌شود آثار ارگی که باخ کپی کرده دو اثر فانتزی به نام‌های تو مسیحی ! شاد باش و با آبهای بابل هستند.

انتشار مجموعه‌ای از آثار فرانک سیناترا

ایلنا : پنج کنسرت قدیمی‌ای از «فرانک سیناترا» که تا به حال منتشر نشده‌اند در مجموعه‌ای با نام «سیناترا وگاس» روز ۷ نوامبر منتشر می‌شود. این کنسرت‌ها در لاس وگاس ضبط شده‌اند و توسط کمپانی آرشوی«رینورکوردز» منتشر می‌شوند. لوح فشرده اول این مجموعه کنسرت‌هایی است که نوامبر ۱۹۶۱ در هتل سندرز ضبط شده‌اند و شامل ترانه‌های کلاسیکی هم چون «روخانه» از در خانه من دوربمان، «با من پرواز کن»، «تو در زیر پوست من هستی» و چند ترانه دیگر می‌شود. در لوح فشرده دوم نیز «کونت باسی» و ارکسترش ضبط شده که آن هم در سال ۱۹۶۶ در سندرز اجرا شده است. در لوح فشرده سوم و در ترانه «چیزی احمقانه» صدای «دین مارتین» و «نانسی سیناترا» (دختر فرانک) را می‌شنویم که در مارس ۱۹۸۲ در قصر سزار ضبط شدند. «بیل میلر» پیانیست که همه اجراهای این مجموعه را رهبری کرده آثار لولوی، نوازنده بزرگ پانو جاز را در لوح فشرده چهارم جای داده است. این آثار در کنسرت آوریل ۱۹۸۷ در گلدن ناگت ضبط شده‌اند، این مجموعه یکی از اجراهای فرانک در مه ۱۹۷۸ در قصر سزار را هم در خود دارد که شامل ترانه‌های «راه من»، «نریه یک زیبا» و قطعاتی از پشت صحنه اجراهای می‌شود.

به شاگردش تاکید می‌کند که «تاثیرات عربی را جمع‌آوری کن اما برای نوشتن آنها و خلق اثر عجله به خرج نده.»
تامل و اندیشه عمیق او را قادر کرد تا در برابر روشنفکری‌های دروغین مقاومت کند. دوبوسی در برابر تمامی مبالغات و گزافه‌گویی‌های مرسوم، لفاظی‌های پر آب و تاب اخلاقی و تمایلات بی ارزش و زودگذر اجتماعی که شاکله هنر موسیقی را تغییر داده بود ایستادگی می‌کرد. در چنین شرایطی موسیقی دوبوسی به خصوصیتی منحصر به فرد و شخصی رسید. شکلی از خلوص طبیعی موسیقایی که مدت‌ها بود از موسیقی رخت برپسته بود. خود چنین می‌گوید: «پس از اندیشه شاعرانه، هیچ چیز برابم باقی نمانده به جز سحر و افسون موسیقی.»
پی‌نوشت‌ها:

^[1] Debussy,C.By:Edward-Lockspeises

^[2] Oxford.London 1951

^[3] ۲- همان

^[4] ۳- همان